افق حوزه
• سال بیست و سوم
• شماره ۸۲۱
• دوشنبه ۲۱ آبان ۱۴۰۳
• ۱۲ صفحه • ۵۰۰۰ تومان
Ofogh-e Hawzah Weekly
• صاحب امتیاز: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه
• مسئول مرکز رسانه و فضای مجازی حوزه‌های علمیه: رضا رستمی
• سردبیر: رمضانعلی عزیزی • با همکاری هیأت تحریریه
• تلفن: ۳۲۹۰۰۵۳۸ • نمابر: ۳۲۹۰۱۵۲۳
• صندوق پستی: ۳۷۱۸۵/۴۳۸۱
• نشانی: قم، بلوار جمهوری اسلامی، کوچه ۲، پلاک ۱۵
• پایگاه اینترنتی: www.ofoghhawzah.ir
• پست الکترونیک: info@ofoghhawzah.ir
• کارشناس فنی چاپ: مصطفی اویسی • چاپ: صمیم ۶۵۵۸۶۸۰۱ (۰۲۱)

در محضر نور

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله

إِنَّ فَاطِمَةَ بَضْعَةٌ مِنِّی، مَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِی وَمَنْ غَاظَهَا فَقَدْ غَاظَنِی وَمَنْ سَرَّهَا فَقَدْ سَرَّنِی.

فاطمه پاره تن من است. هر که او را آزار نماید، مرا آزار نموده و هر که او را به‌غیظ آورد، مرا به‌غیظ آورده و هر که او را شاد کند، مرا شاد کرده است.

من لا یحضره الفقیه، ج۴، ص۱۲۵

سخن بزرگان

امام خمینی قدس‌سره

ما یک کوخ چهار پنج نفری در صدر اسلام داشتیم، آن کوخ فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها ست... این کوخ‌نشینان در کوخ محقّر، در ناحیه معنویات آن‌قدر در مرتبه بالا بودند که دست ملکوتی‌ها هم به آن نمی‌رسد و در جنبه‌های تربیتی آن‌قدر (بالا) بوده است که هرچه انسان می‌بیند، برکاتی که در بلاد مسلمین هست و خصوصاً در مثل بلاد ماها، این‌ها از برکت آن‌هاست.

صحیفه امام قدس‌سره، ج۱۷، ص۳۷۳

فاطمه کوثر معنویت

استاد علی‌اکبر رشاد

شاید بتوان گفت روز شهادت حضرت صدیقه طاهره، فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها سخت‌ترین و غم‌انگیزترین روزهای تاریخ قلمداد می‌شود. درست است که ارتحال پیامبر اعظم و شهادت امیرالمؤمنین علیه‌السلام روزهای سختی برای بشریت بودند. روز عاشورا و فاجعه‌ای که به دست اشقیا رقم خورد، بسیار تلخ و مصیبت‌بار است؛ اما به نظر می‌رسد، روز شهادت حضرت فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها از جهاتی از این حوادث و وقایع، تلخ‌تر و اندوه‌بارتر است. مظلومه‌ای که الگوی بشریت و نمونه کامل برای همه آدمیان و نه فقط برای زنان است. متن زیر که مشروح درس اخلاق استاد علی‌اکبر رشاد، رئیس شورای سیاست‌گذاری حوزه علمیه تهران و رئیس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در جمع اساتید و طلاب حوزه علمیه امام رضا علیه‌السلام می‌باشد، در ادامه تقدیم می شود.

• فاطمه علیهاالسلام؛ اسوه عوالم

آن بزرگوار تنها اسوه زنان نبود؛ چراکه ایشان اسوه زنان متعارفی نیست که با مردان مقایسه می‌شوند تا اسوه زنان بودن به‌زعم برخی کمتر از اسوه مردان بودن قلمداد شود. وقتی می‌گوییم او اسوه است و نمونه و نمود کامل زنان است، منظور ما زنان برتر عالم است؛ چنان‌که در پاسخ پرسشی که در محضر مبارک حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله طرح و سؤال شده است که چگونه است که هم مریم اسوه زنان است، هم آسیه، هم هاجر و خدیجه و هم فاطمه؟ فرمودند: آنها هرکدام اسوه زنان عهد خود بودند. یا بلکه چنانکه از تعبیر استفاده می‌شود، آنها اسوه زنان «عالم» (مرتبه) خودشان بودند.

حضرت مریم علیهاالسلام با همه مقامات در واقع الگو و نمونه زنان عالم و مرتبه وجودی خودش است و هرکدام از دیگر بانوان اسوه، چنین هستند؛ اما حضرت زهرا علیهاالسلام الگوی همه عوالم هستند که در این وجود مبارک، بانوان ممتاز عوالم دیگر هم می‌گنجد. وقتی چنین است که در همه عوالم و در بسیط هستی الگو هستند. در این بسیط، بانوانی هستند که در عداد اولیاءالله و اوتاد قرار دارند و مردان هم پیرو راه و روش آنانند. الگو برای درجات صفر تا صد نیست؛ بلکه متعلق به درجه صد است؛ یعنی یک الگو، نماد و نمود همه انسان‌ها نیست تا افراد لاابالی و هرزه را هم شامل شود؛ بلکه وقتی کسی نماد و نمود انسان کامل است؛ یعنی در تراز ممتازان، اسوه و نمونه کامل است و نه برای عناصر منحط؛ لذا فاطمه زهرا علیهاالسلام الگو برای مریم، آسیه و هاجر است.

• آسیه علیهاالسلام؛ اسوه عهد فرعون

آسیه علیهاالسلام مثال و نمونه برای بشریت عصر فرعون است؛ همه مردان آن زمان هم، از آسیه کمترند. از آنجا که همه یا سکوت کرده بودند یا سازش. یا به جهد، روزگار می‌گذراندند یا به جهل؛ ولی آسیه مقاومت کرد و زیر شکنجه با خدای خود نجوا کرد که خدایا در بهشتت برای من خانه‌ای بنا کن. فرعون هم از هامان می‌خواست که برایم در آسمان، کاخی بساز! فرعون به این خاطر به ذی‌الاوتاد مشهور شد که دست و پای اسیرانش را با میخ به زمین می‌کوبید و شکنجه می‌کرد که در مورد همسرش هم، چنین کرد تا اینکه شهید شد. به آن‌چنان مقامی رسید که خدای متعال میان همه آن مردم، آسیه را مثال می‌زند.

• مریم علیهاالسلام؛ مادر عیسی روح‌الله علیه‌السلام

در مورد حضرت مریم علیهاالسلام هم، چنین است. به‌قول عامیانه، نشان به این نشان که در آن روزگار، مردی که لایق ابوّت حضرت عیسی علیه‌السلام باشد، وجود نداشته است؛ اما زنی که چنین لیاقت را داشته باشد، وجود داشته که مریم بوده است. خداوند متعال اگر خلقتی غیرعادی را اراده کرده بود، می‌توانست مردی را بدون داشتن همسر، صاحب فرزند کند. آن‌چنان که در قرآن، مَثَلِ آدم را می‌زند. آدم که پدر و مادر نداشت و آفرینش او هم برای خداوند مشکل نبود. حال اگر حتی مادر لایقی هم نمی‌بود، عیسی علیه‌السلام هم خلقتی چون آدم علیه‌السلام داشت؛ یعنی صرفاً از خاک آفریده می‌شد؛ لذا در بین همه انسان‌های آن عصر، مریم علیهاالسلام برترین بوده است. بعد از تولد عیسی علیه‌السلام، پیامبر برتری داشتند.

• خدیجه علیهاالسلام؛ اول مؤمنه اسلام

حضرت خدیجه علیهاالسلام هم در آن شهری که مشرکین حکومت می‌کردند، اول مؤمنی بود که به دین خاتم گروید. حال آنکه اگر مردی با شرایط مناسب‌تری نسبت به او وجود داشت، او اول مؤمن به دین اسلام می‌بود. او اولین کسی بود که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را درک کرد و توفیق ایمان به او را داشت. این تنها به ذکاوت و هوشبری او مربوط نبود؛ بلکه مقام دیگری داشت. ایشان به مبادی ماورائی، رسالت آن بزرگوار را درک کرد و با ایمان به او، همه ثروت انبوه افسانه‌ای خودش را خرج پیغمبر کرد. آن‌چنان که فقیر شد و در فقر از دنیا رفت که بارها پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله از ایشان ذکر می‌کند و می‌فرماید: اگر مال خدیجه نبود، اسلام به اینجا نمی‌رسید. حضرت خدیجه علیهاالسلام در واقع در بین بشر آن زمان چنین شأن و جایگاهی داشت که بعد از جایگاه انبیای عظام و مقام خاتم انبیاء و حضرت امیر علیه‌السلام، خدیجه ام‌المؤمنین، شأن انسان کامل دارد.

بعد از ایشان، دختر مکرمه‌شان فاطمه زهرا علیهاالسلام انسان کامل و اسوه زنان همه عوالم ماقبل خودشان بودند؛ زنانی که برتر از آحاد مردان عالم خودشان بوده‌اند. حضرت زهرا علیهاالسلام چنین مقام و منزلتی دارند. آنگاه چنین بانوی عظیمی مورد چنان جسارتی قرار گیرد و کسی جرأت کند که این‌چنین در حق ایشان ظلم کند. آن ملعون چقدر باید پلید و پلشت باشد که در حق آن موجود پاک، مرتکب جنین جسارت و جنایت بزرگی شود.

• کوثر؛ بلاشک فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها است

درباره کلمه قرآنی «کوثر»، معانی مختلفی به اعتبارات متعددی بیان شده که بعضی با بعض دیگر قابل جمع است. بعضی جرأت نمی‌کنند که بگویند: «کوثر»، حضرت زهرا علیهاالسلام است؛ درحالی‌که خیلی روشن است. می‌گویند قابل حمل است و می‌توان این‌جور تأویل کرد. حال آنکه تفسیر همین است نه تأویل! داستان روشن است که شأن نزول و سبب نزول این سوره چه بوده است. بعد از شماتتی که نسبت به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌شود که تو ابتر هستی و پسر نداری؛ خداوند متعال این سوره را در جواب آن شماتت و نکوهش و تحقیر نازل می‌کند. این اتفاق می‌افتد که خداوند متعال، کوثر را به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله خود عطا می‌کند. پیامبر خدا هیچ‌گاه نفرمود که من پسر ندارم و نشد که گفته شود، فرزندان حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام، از نسل پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نیستند؛ چون او دختر است. فارغ از اینکه حکم فقهی قضیه چگونه است، در اینجا مورد خاص است و قرآن تصریح دارد. نسل پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله از نسل فاطمه زهرا علیهاالسلام تداوم یافته است.

• کوثر رسول؛ اقیانوس معرفت

اینکه دختر پیامبر، کوثر است به چه معناست؟ معانی بسیاری می‌توان در نظر گرفت؛ مثلاً او اقیانوس معرفت است. او سرچشمه زلال معارف الهی است. چند سال پیش که پیرامون خطبه فدکیه، مباحثی را داشتیم، عرض کردیم که خطبه فدکیه چند صفحه‌ای، با همه گزیدگی و فشردگی و حجم کم، یک دایرةالمعارف از معانی والاست و من هرچند مختصراً انجام داده‌ام؛ ولی دوست دارم، کسی همت کند و این کار را با استناد و مفصلاً انجام دهد که خطبه فدکیه را با نهج‌البلاغه مقایسه کند. می‌بینیم که هر آنچه در نهج‌البلاغه آمده است، گزیده آن در خطبه فدکیه گرد آمده است. خطبه فدکیه، فاتحةالکتاب نهج‌البلاغه است؛ آن‌گونه که در فاتحةالکتاب تمام معارف قرآنی گرد آمده و برائت استهلالی برای قرآن است. منظور من، تنها فهم معصوم نیست که بگوییم در باء بسم‌الله چه آمده است یا نقطه تحت‌الباء به چه اشاره دارد.

بلکه عمده معارف قرآنی را می‌توان در سوره حمد دید. بعضی بزرگان هم انجام داده‌اند و استخراج کرده‌اند. رضوان خدا بر مرحوم حاج‌آقا مصطفی باد که از چهار پنج جلد تفسیرش، فقط حدود یک جلد و نیمش، تفسیر فاتحةالکتاب است. تفسیر حمد مرحوم امام هم بسیار خواندنی است. ظلم کردند کسانی که نگذاشتند، آن تفسیر ادامه پیدا کند. ایشان قصد داشت، یک دور تفسیر قرآن را با همان بیان و لحن و افق بگویند. مرحوم آیت‌الله خوئی هم، چنین قصدی داشت که او را بازداشتند. ایشان «البیان» را نوشت که در همان جلد اول ماند. آن هم فوق‌العاده کتاب باارزشی است. به هر حال فاتحةالکتاب، دیباچه و عصاره قرآن است. خطبه فدکیه هم، همین نقش را نسبت به نهج‌البلاغه دارد؛ ولی با این تفاوت که به قول آیت‌الله جوادی آملی، بیست و پنج سال جلوتر از نهج‌البلاغه ایراد شده است.

از فاطمه زهرا علیهاالسلام کمتر از سی قطعه حدیث منسوب باقی مانده است که نشان می‌دهد، اسوه است. نگذاشتند که بیشتر باقی بماند. از دیگری در صحاح به‌اندازه‌ای حدیث نقل شده است که اگر روزی ده تا حدیث از پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله شنیده باشد به این عدد نمی‌رسد؛ ولی احادیث حضرت را از بین بردند و اگر روزی یک حدیث توسط ایشان که دختر پیامبر بود، از پیامبر نقل می‌شد چندین و چند برابر مقداری می‌شد که الآن در دسترس است. با این حال اگر فقط همین خطبه از حضرت در دسترس می‌بود، کافی بود که بگوییم ایشان به‌لحاظ معرفت، کوثرند.

• کوثر نسل فاطمی

زهرای مرضیه از حیث نسل هم، کوثر است. در کل بشریت و کره زمین، وجودی پربرکت‌تر از حضرت زهرا علیهاالسلام نداریم. شما در هر جای عالم بروید، سادات را می‌بینید و این در حالی است که بسیاری از سادات، نسب گم کرده‌اند. سادات بسیاری در دوران اختناق خلفاء، سیادت خود را پنهان کردند؛ چون هرکه سید و از آل‌علی علیه‌السلام بود، کشته می‌شد. شیعیان را در جرز [لای] دیوار می‌کردند و یا بر روی جنازه‌های‌شان بنا می‌ساختند. در نتیجه بسیاری از سادات، سیادت خود را پنهان کردند و در طی نسل‌ها فراموش شدند. مثل بسیاری از سنی‌ها که عقاید شبه‌شیعی دارند؛ ولی در احکام، مثلاً حنفی عمل می‌کنند. اینها هم در دوره‌هایی تقیه کردند و تشیع‌شان گم شد. به‌رغم این مسئله، سراسر عالم، پر از سادات فاطمی است. ایران خودمان را نبینید. در کشورهای اهل سنت، شُرفا اکثریتند. در مغرب عربی؛ مثل الجزایر و تونس و لیبی و مغرب، حس می‌شود که شُرفا (نسل فاطمه زهرا علیهاالسلام) اکثریت هستند. در عین حال که همه سنی‌اند؛ ولی سادات حسنی‌اند. در شبه‌قاره، سادات، رضوی و تقوی‌اند؛ در ایران، سادات، حسینی‌اند. آن بانوی بزرگوار، در سراسر عالم کوثریت نسبی دارند و هیچ نسلی در بشریت را به کثرت و برکت نسل آن وجود مقدس نمی‌یابید.

• کوثر نبی؛ حافظ اسلام

در جهات دیگر هم، چنین است. آنکه اسلام را حفظ کرد، وجود مبارک ایشان بود؛ چراکه همه کسانی که اسلام را حفظ کردند یا سیدند یا شاگردان سادات‌اند. یا شاگردان ذریه معصومِ حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام هستند و یا خود از سادات هستند. البته فقط شیعه را عرض نمی‌کنم. مگر نه این است که ائمه اربعه اهل سنت، شاگردان امام صادق علیه‌السلام هستند. مگر خودشان نگفته‌اند: «لولاالسنتان لهلک نعمان». اگر دو سال شاگردی امام صادق علیه‌السلام نبود، هلاک شده بودم؛ لذا اگر فاطمه زهرا علیهاالسلام نبود، همین مذاهب عامه هم وجود نداشت.

• فاطمه؛ کوثر معنویت

حضرت زهرا علیهاالسلام به‌لحاظ معنویت هم کوثر است. مگر نه این است که حدیث «لولاک لما خلقت الافلاک...» به آن بانوی بزرگوار منتهی می‌شود. این یعنی فاطمه علیهاالسلام، کوثر معنوی هستی است. سرچشمه کوثری است که هستی از او نشأت می‌گیرد و هستی همه موجودات در گروی وجود مبارک فاطمه زهرا علیهاالسلام است. این کوثر مبارک، تنها بعد از تولد دنیوی منشأ خیرات نبود؛ بلکه قبل از وجود ناسوتی دنیوی، وجود ملکوتی فاطمه زهرا علیهاالسلام منشأ اثر بود. ما هم سال‌ها پیش راجع به خلقت نوریه آن بزرگوار بحث مفصلی داشتیم. در آن حدیث شریف «لولاک»، وقتی می‌فرماید: «لولا فاطمه...»، مقصود، وجود قدسی و ملکوتی حضرت است. همان خلقت نوریه حضرت زهرا، منشأ و موجب خلقت نوریه دیگر اعاظم و اولیای الهی است؛ لذا کوثریت به ماقبل وجود ناسوتی او هم اطلاق می‌شود. کوثریت ایشان وجودی است نه ماهوی؛ تا بگوییم باید در این عالم خلق بشوند تا کوثر شوند. برای ما فرق این عالم و عوالم دیگر معنادار است. آن بزرگوار که پس و پیش ندارند. ما در این عالم، امتحان می‌شویم؛ ولی آن بزرگواران، امتحان خود را پس داده‌اند که این شأنیت را پیدا کرده‌اند. اینکه خداوند، حضرت زهرا علیهاالسلام را قبل از خلقت، امتحان کرد و صابر یافت «.. ووجدک صابره...» نشان از این دارد که حضرت زهرا علیهاالسلام نه فقط در دنیا مانند ابراهیم علیه‌السلام و نه‌تنها در برزخ مانند آدم علیه‌السلام بلکه در ماقبل برزخ امتحان شد؛ یعنی به‌تعبیری کوثریت و اولویت محدود به این عالم نیست. نه به عالم زنان و نه به عالم ناسوت. به آن عالم ملکوتی مربوط می‌شود که تاج «لولا فاطمه» را در آن عالم، بر تارک صدیقه طاهره علیهاالسلام نهادند.

عطریار

تا وارهد این تیر...

افشین اعلا

مولای من از خویش نشانی بفرستید
جان‌ها به لب آمد همه، جانی بفرستید
مانند ترنجی است دلم پر شده از خون
از تیزی آن تیغ نشانی بفرستید
یا خود ز در آیید که انگشت ببرّیم
یا طاقتی و صبر و توانی بفرستید
یا پرده غیبت بدرانید به یکبار
یا مژده‌ی آن را به جهانی بفرستید
بر جان ستم شعله‌ای از خشم ببارید
بر آتش غم آب روانی بفرستید
با خُلق نبی، روشنی‌ای زاده نرگس
بر دیده خلق نگرانی بفرستید
انباشته از مال حرام است شکم‌ها
بر سفره ما لقمه‌ی نانی بفرستید
هر سو، دل مظلوم شد از آه، لبالب
تا وارهد این تیر، کمانی بفرستید
این نیست نمازی که خدا خواسته، از نو
بر مأذنه‌ها بانگ اذانی بفرستید
پرونده ما لایق امضای شما نیست
بر نامه ما مُهر امانی بفرستید

یادداشت

معیار فاطمی

استاد جواد محدثی

فاطمه،
اسوه و سرمشق است،
در اندیشیدن و مهر ورزیدن،
درپارسایی و عبادت،
در دین‌شناسی و معرفت،
در تربیت فرزند و مادری،
درازدواج و خانه‌داری و آئین همسری،
درخورد و خوراک و معیشت و ساده‌زیستی و حیا و حجاب و پاکدامنی،
درتلاش و مبارزه اجتماعی،
درموضع‌گیری و تعهدشناسی،
در بودن و زیستن و سخن گفتن و عمل کردن.
او فاطمه فلاح و زهرای زندگی و الگوی ایمان است.
مگر نه اینکه از الگو باید سرمشق گرفت و با او همسو و همسان و همراه و هم‌روح و همرنگ بود؟
بانوان مدعی فاطمه‌دوستی، بی‌خود برچسب «شیعه» و «مُحبّ» به خود نزنند.
خود حضرت زهرا علیهاالسلام فرمود:
«شیعه ما» کسی است که:
به آنچه گفته‌ایم، عمل کند و از آنچه نهی کرده‌ایم، بپرهیزد.
پس باید کوشید تا از مرتبه دوست داشتن به رتبه والای پیروی کردن رسید.
این، معیار «شیعه بودن» از نگاه زهرای اطهر علیهاالسلام است.
رعایت «حجاب» هم یکی از همین‌هاست.
آیا می‌توان در این مسیر پاک، به فاطمه رسید؟
طیّ این فاصله، با گام تقوا و تدیّن و تعهد ممکن است.
اشک و عزاداری، تنها شاهد محبت است؛ نه نشان تبعیت.
گریه و روضه هم، گواه «عشق» است؛ نه نشان «شیعگی».
«فاطمه» به ما آموخت که می‌توان با جامه قناعت برتن، زره صبر و استقامت دربر و پوشش حیا و حجاب در سیما، در میدان زندگی به برترین چهره فضیلت آراسته گشت و با رفتار خویش، حیا و عفاف را معنی کرد وبرای همه زنان در طول تاریخ درعرصه «زن و زندگی» الگو شد.
خود را با «معیار فاطمی» ارزش‌گذاری کنیم...

آیت الله سعیدی

ورزشکاری که با نماینده رژیم صهیونیستی مسابقه نمی‌دهد، قهرمان است

تولیت حرم مطهر حضرت معصومه علیهاالسلام گفت: ورزشکاری که حاضر نیست در مقابل ورزشکار رژیم جعلی اسرائیل مسابقه بدهد برای ما قهرمان است.

به گزارش خبرگزاری حوزه، آیت‌الله سید محمد سعیدی، امام جمعه قم در جلسه کمیته همکاری‌های حوزه علمیه و آموزش و پرورش با بیان اینکه انسان مؤمن و موحد علاوه بر ساماندهی امور شخصی باید مبلغ دین و مکتب نیز باشد، اظهار داشت: تبلیغ دین و مکتب در ساحت‌های مختلفی امکان‌پذیر است و ورزش یکی از این عرصه‌ها است.

وی با بیان اینکه ما برای ارسال پیام خود باید جاذبه‌های جهانی را در نظر بگیریم، افزود: امروزه در دنیا، عرصه‌های ورزشی و هنری جاذبه زیادی دارند و باید از این عرصه‌ها برای تبلیغ اسلام، نظام اسلامی و ارزش‌های ملی و مذهبی خود استفاده کنیم.

امام جمعه قم با بیان اینکه ورزش علاوه بر صحت و سلامتی برای خود ورزشکار می‌تواند امتیاز برای نظام باشد، ابراز داشت: سلامت هم در بعد معنوی و روحی و هم در بعد جسمی یکی از غایت‌ها و هدف‌هایی است که اسلام به آن توجه دارد.

وی با تأکید بر اینکه ورزش باید پیام داشته باشد، گفت: ورزش‌هایی مانند ورزش زورخانه‌ای و کشتی که هم سلامت جسمی و هم سلامت روحی و معنویت در آن وجود دارد و ارزش‌هایی مانند تواضع و پرهیز از غرور و منیت در آن پر رنگ است باید تقویت شود.

آیت‌الله سعیدی، ورزش قهرمانی و کسب مدال و امتیاز را در صورت حفظ ارزش‌های دینی و انسانی ارزشمند دانست و گفت: بانوی ورزشکاری که در هنگام دریافت مدال فرزند خود را همراه می‌برد و بانوی ورزشکاری که حاضر نیست حجاب و عفت خود را برای شرکت در یک مسابقه کنار بگذارد و ورزشکاری که حاضر نیست در مقابل ورزشکار رژیم جعلی اسرائیل مسابقه بدهد برای ما قهرمان است.

امام جمعه قم با تأکید بر اینکه باید ورزشکار و محیط ورزشی را به سمتی ببریم که ارزش‌ها حفظ شود، افزود: ورزشکارانی که مواد نیروزا می‌خورند تا بر رقیب خود با تقلب پیروز شوند مورد تأیید اسلام نیستند و ما ورزش را باید از این حاشیه‌ها دور کنیم.